

مادران و پدران دانا؛ فرزندان سالم و توانا



دکتر احمد به‌پژوه

استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران

و مادری داشتن شناخت و کسب مهارت‌ها و آگاهی‌های لازم است. در مقاله حاضر به معرفی وادی‌های شناخت و مهارت‌های لازم پرداخته و پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه، پنج وادی مهم شناخت را به اختصار و به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف: انسان کیست و چیست؟

ب: تعلیم و تربیت چیست؟

ج: هدف‌های تعلیم و تربیت کدام است؟

د: اصول تعلیم و تربیت

ه: روش‌ها و ابزار

در پایان نیز چند توصیه مهم برای پدران و مادران عزیز داریم.

مقدمه

انسان، به حکم فطرت خود تشنه علم است و همواره می‌خواهد

چند پرسش که لازم است پیش از مطالعه مقاله به آن‌ها بیندیشید و پاسخ دهید:

● آیا شما به‌عنوان پدر یا مادر می‌دانید چگونه می‌توان پدر و مادر موفق شد؟

● آیا شما به‌عنوان پدر یا مادر به نقش‌ها و وظایف خود آگاهی دارید؟

● آیا شما به‌عنوان پدر یا مادر باور دارید که «توانا بود هر که دانا بود؟»

● آیا شما به‌عنوان پدر یا مادر با هدف‌های تعلیم و تربیت آشنایی دارید؟

بدون شک، همه پدر و مادران علاقه دارند در تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان خود موفق شوند و نقش‌ها و وظایف خود را به نحو احسن ایفا کنند. در این کار، نخستین شرط موفقیت هر پدر

بداند، بشناسد، پیش‌بینی و پیشگیری نماید و پدیده‌ها را تفسیر و تبیین کند. در این راستا اکثر پدران و مادران تمایل دارند هر وقت فرصت کردند درباره نقش‌ها و وظایف خود بیشتر آگاه شوند و دربارهٔ تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان‌شان به تفکر بپردازند. بدیهی است فرزندآوری اختیاری اما فرزندپروری الزامی است، و شناخت، لازمهٔ هر حرکت هدفمند و جهت‌دار است.

دانایی، دانش، شناخت، معرفت، علم و آگاهی تا حدودی مترادف هم هستند. قرآن مجید به ما می‌فرماید: «از آنچه بدان علم و آگاهی نداری پیروی مکن» (سورهٔ اسراء، آیهٔ ۳۶). همچنین در روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) علم و دانش به‌عنوان غذای روح معرفی شده است. در نگاه اسلام، مرزی برای علم و شناخت وجود ندارد، به‌طوری که خداوند به حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «و بگو: پروردگارا بر علم من بیفز» (سورهٔ طه، آیهٔ ۱۱۴). دربارهٔ ضرورت دانایی و شناخت می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون سخن گفت، اما در این مقاله، بیشتر از منظر تعلیم و تربیت بحث می‌شود.

شناخت، مانند هر پدیدهٔ دیگری، به وجود می‌آید، رشد می‌کند، متحول می‌گردد و عمیق و گسترده می‌شود. شناخت کلید موفقیت و راز سیادت انسان و تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت است. همچنین شناخت وسیله‌ای است برای افزایش کارایی و خلاقیت پدران و مادران در اثربخشی و تأثیرگذاری بیشتر بر تعلیم و تربیت فرزندان و پیشگیری از بروز ناهنجاری‌ها در آنان.

تعبیر زیبایی در قرآن مجید آمده است که در آن‌ها خداوند ما را دعوت به تفکر، تعقل و تدبیر دربارهٔ امور گوناگون می‌فرماید (مانند، أَفَلَا يَتَفَكَّرُونَ، أَفَلَا يَفْقَهُونَ). یا در سورهٔ محمد (ص) آیهٔ ۲۴ خداوند می‌فرماید «آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشید؟ مگر بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟» در ادامهٔ بعضی از آیات نیز آمده است که این‌ها برای خردمندان نشانه‌هایی (قانع‌کننده) است (لَا آيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ، آل عمران، آیهٔ ۱۹۰؛ مائده، آیهٔ ۱۰۰) همچنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: بر تو باد بر اندیشیدن، زیرا اندیشیدن موجب هدایت فرد از گمراهی می‌شود و اصلاح‌کنندهٔ اعمال از تباهی است (عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ، فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِّنَ الضَّلَالِ وَ مَصْلِحٌ الْأَعْمَالِ).

یکی از ابزارهای شناخت و دانایی، سؤال کردن است. به‌طور معمول پدران و مادران پرسش‌های متعددی دربارهٔ تعلیم و تربیت فرزندان خود مطرح می‌کنند که ضرورت دارد به آن‌ها پاسخ مناسب داده شود. از این رو، در اینجا، طی پنج وادی شناخت، سؤال‌هایی مطرح و پدران و مادران را به اندیشیدن پیرامون آن‌ها دعوت می‌کنیم.

❖ وادی اول شناخت: انسان چیست و کیست؟

پدران و مادران، به مثابه نخستین مربی، با مخاطب یا موضوع مورد مطالعه‌ای روبه‌رو هستند، به نام انسان (فرزند). شناخت انسان امری بسیار ظریف، پیچیده و عمیق است؛ زیرا وی از

چندین بعد برخوردار است و تمام ابعادش در فرایند رشد تعلیم و تربیت بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. پس در این راه وادی اول این است که همهٔ پدران و مادران شناخت درستی از انسان پیدا کنند و بدانند که انسان چیست و کیست آن هم از دو دیدگاه، یکی از دیدگاه اعتقادی و دیگری از دیدگاه روان‌شناختی. وقتی حضرت حق در قرآن مجید می‌فرماید که انسان را بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیده و گرامی داشته است (اسراء، ۷۰) یا در انسان روح خدایی دمیده شده است (صاف، ۷۱)، یعنی چه؟ این‌ها همه حاکی از ضرورت شناخت انسان است. پس در وادی اول ضرورت دارد شناخت درستی از فرزند یا فرزندان خود به‌عنوان «انسان» داشته باشیم تا بتوانیم گام‌های بعدی را درست و محکم برداریم.^۱

❖ وادی دوم شناخت: تعلیم و تربیت چیست؟

دومین وادی شناخت این است که هر پدر و مادری به‌عنوان مسئول تعلیم و تربیت فرزند خود بدانند

تعلیم و تربیت چیست؟ هر پدر و هر مادری و هر معلمی برای ایفای نقش‌های خود باید تعریف و برداشت درستی از تعلیم و تربیت داشته باشد.^۲

در این ارتباط مکاتب گوناگون و دیدگاه‌های فلسفی متفاوتی وجود دارد. به نظر نگارنده

«تعلیم و تربیت عبارت است از مجموعهٔ تلاش‌ها، فرصت‌ها، امکانات، اقدام‌ها و برنامه‌ها (رسمی و غیررسمی؛ مستقیم و غیرمستقیم) از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات برای رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوهٔ فرد به‌طور همه‌جانبه تا رسیدن به حداکثر ظرفیت (کمال)» (به‌پژوه، ۱۴۰۰؛ ۱۳۹۸). بدون شک، تمام اجزا و عناصر این تعریف قابل تأمل و قابل بحث است. این‌گونه نیست که کودکی همین‌طور و برحسب تصادف سالم و صالح شده و کودکی دیگر یک‌شبه و ناگهانی دچار لجبازی، ناخن‌جویدن و شبادراری شده باشد، یا نوجوانی یک‌روزه دچار وسواس، پرخاشگری، بزهکاری، اعتیاد و مایل به خودکشی شود. هر یک از این‌ها طی فرایندی پرنشیب‌وفراز حادث شده‌اند که از انعقاد نطفه شروع شده و به زمان حاضر رسیده است. از این رو، عوامل مؤثر بر رشد انسان و علت‌های بروز ناهنجاری‌های عاطفی و رفتاری را باید در گسترهٔ حیات فرد (از بدو انعقاد نطفه تا واپسین دم حیات) مورد مطالعه قرار داد. علت‌ها فقط به امروز و دیروز مربوط و محدود نمی‌شود.

❖ وادی سوم شناخت: هدف‌های تعلیم و تربیت کدام است؟

سومین وادی شناخت این است که هر پدر یا مادری باید بداند تعلیم و تربیت چه هدف‌هایی را دنبال می‌کند. امام جعفر صادق (ع) فرموده است «کسی که بدون بصیرت، اقدام به عملی کند، مانند پوینده‌ای است که به بی‌راهه می‌رود، هر

یکی از ابزارهای شناخت و دانایی، سؤال کردن است

قدر سریع‌تر حرکت کند، از هدف دورتر می‌شود (العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لایزیدهُ سرعة السبر إلا بعدا، اصول کافی، جلد اول، ص ۵۴). به اختصار اشاره می‌شود که مهم‌ترین هدف‌های تعلیم و تربیت عبارت‌اند از:

● انسان‌سازی و کسب ارزش‌ها و فضایل اخلاقی؛
● رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه فرزند یا فرزندان به‌طور همه‌جانبه؛

● حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی فرزند یا فرزندان؛
● آماده‌سازی فرزند یا فرزندان برای زندگی در دنیای واقعی؛
● مستقل‌سازی و قادرسازی فرزند یا فرزندان برای رفع نیازها.

شایان ذکر است که در جهان هستی، هر حرکتی و هر اقدامی هدفمند و هدفمدار است. پس در امر تربیت نیز هدف‌شناسی و هدف‌گرایی اولین و مهم‌ترین مرحله محسوب می‌شود. در غیر این صورت گمراهی و ابهام و سردرگمی به بار خواهد آمد

و پدر و مادر بی‌هدف و خانواده بی‌هدف، چون کشتی سرگردان خواهند شد. به نظر می‌رسد نهاد خانواده در این امر نقش اساسی به‌عهده دارد و سعادت هر فرزند بسته به میزان شناخت، بیداری و هدفمندی پدر و مادر اوست؛ گل‌ها مشکلی ندارند، باغبان‌ها اشکال دارند! (به‌پژوه، ۱۴۰۰).

در تاریخ برنامه‌ریزی درسی، تاکنون با چندین نگاه مواجه شده‌ایم. زمانی تکیه روی کودک یا «کودک‌مداری» بود، یعنی برنامه‌های درسی باید مبتنی بر کودک باشد. زمانی می‌گفتند «موضوع‌مداری»، یک روز می‌گفتند «معلم‌مداری» روزی دیگر گفته می‌شود «مدرسه‌محوری» جمعی می‌گفتند اساس برنامه‌ریزی درسی «هدف‌مداری» است و اکنون می‌گویند برنامه‌ریزی مبتنی بر محصول.^۳

نگاه اخیر مبتنی بر این است که می‌خواهیم بیست یا سی‌سال بعد از برنامه‌ریزی به چه محصولی برسیم، و چگونه فرزند یا فرزندان و با چه ویژگی‌هایی می‌خواهیم؟ اگر پدران و مادران، برنامه‌ریزان و مسئولان نظام آموزشی، هدف‌ها را مشخص کنند، بشناسند و در برنامه‌ریزی‌ها به آن‌ها توجه و عمل کنند، خیلی از مسائل جامعه ما حل می‌شود. در حال حاضر فشارهای درسی‌ای که در خانه و مدرسه و جامعه، به‌ویژه از سوی پدران و مادران، بر کودکان و نوجوانان و جوانان وارد می‌شود، طراوت و شادابی را از آن‌ها سلب می‌کنند. دلیل عمده این وضعیت این است که مادران، پدران، مدیران و معلمان هدف‌ها را نمی‌شناسند و به آن‌ها توجه ندارند. برخی از مادران و پدران فقط می‌خواهند به هر ترتیبی و به هر قیمتی که شده فرزندشان درس بخواند، دیپلم بگیرد و وارد دانشگاه شود؛ اما اگر او دچار مشکل روانی بشود و یا از زندگی‌اش چیزی نفهمد برایشان مهم نیست! به نظر نگارنده این انحرافی است که در جامعه ما، به‌ویژه

در تعلیم و تربیت اسلامی هم، هدف مهم، پرورش و ساختن انسان‌های رشید است



در خانواده‌ها و نظام آموزشی ما، رخ داده است؛ و لذا همه ما مسئول هستیم که این باورهای نادرست را اصلاح کنیم و هدف‌های تعلیم و تربیت را به‌درستی بشناسیم.

گاهی برخی از پدران و مادران که هدف‌های تعلیم و تربیت را به‌خوبی نمی‌شناسند به‌طور باری به هر جهت عمل می‌کنند. بدیهی است زمانی که به هدف‌های تعلیم و تربیت توجه نداریم، به سراغ روش‌های نادرست و نامناسب می‌رویم. نمی‌دانیم به کجا می‌رویم؟ چه کار می‌کنیم؟ و چگونه محصولی می‌خواهیم؟ بدیهی است مادام که هدف‌های تعلیم و تربیت را به‌خوبی نشناسیم، ابزار و روش مناسب را نیز نمی‌توانیم به‌کار بگیریم. در ادامه، به اختصار، به بیان هدف‌های غایی و عمده تعلیم و تربیت می‌پردازیم.

هدف اول؛ انسان‌سازی و کسب ارزش‌ها و فضایل اخلاقی

نکته نخست این است که ما انسان نیستیم بلکه انسان می‌شویم؛ پس تمام فعالیت‌ها و اقدامات ما باید موجب شود آدم بشویم؛ درس می‌خوانیم که آدم بشویم. برای مثال، اگر کسی دکترای فیزیک بگیرد یا دکترای ریاضی بگیرد، اما آدم نشود، چه ارزشی دارد؟! اینکه به دنبال چه محصولی هستیم، امر بسیار مهمی است؛ بدو، بدو، بنویس، بخوان، مسئله حل کن، ورزش کن، نقاشی بکش، خوش خطی بکن و ... که چه بشود؟! خداوند متعال در سوره حجرات، آیه ۱۳، در ارتباط با این هدف فرموده است: در حقیقت، گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزگارترین شماست (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ). خداوند سبحان می‌توانست معیار دیگری بدهد، ولی می‌فرماید با تقواترین شما نزد من گرامی‌ترین است.

هدف دوم؛ رشد و شکوفاسازی توان‌های بالقوه فرزند یا فرزندان به‌طور همه‌جانبه

هدف دوم تعلیم و تربیت رشد دادن و شکوفاساختن توان‌های بالقوه فرزند یا فرزندان به‌طور همه‌جانبه است. در تعلیم و تربیت اسلامی هم، هدف مهم، پرورش و ساختن انسان‌های رشید است. انسان رشید کیست؟ کسی است که به رشد همه‌جانبه نایل شده و در تمام ابعاد وجودی رو به کمال است؛ رشد جسمانی، رشد شناختی، رشد عاطفی، رشد اجتماعی و رشد معنوی و اخلاقی. اکنون این سؤال مهم مطرح است که پدران، مادران، معلمان، مربیان و برنامه‌ریزان تا چه حد به رشد همه‌جانبه فرزندانشان و دانش‌آموزان خود توجه دارند؟

هدف سوم؛ حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی فرزند یا فرزندان

هدف سوم تعلیم و تربیت، حفظ و تأمین سلامت جسمانی و روانی فرزند یا فرزندان است. در فرایند تعلیم و تربیت، ما وظیفه داریم به این سؤال مهم پاسخ دهیم که چقدر به حفظ و تأمین

سلامت جسمانی و روانی فرزندان خود توجه داریم؟ آیا به نیازهای جسمانی آنان همان قدر توجه داریم که به نیازهای روانی آنان؟ در این ارتباط فرزندان به ما پیام می‌دهند (ازدواج موفق و خانواده سالم، احمد به پژوه، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۵۹).

ای مادر، ای پدر
احتیاجم همه پوشاک و غذا تنها نیست،
من به امنیت خاطر چو غذا محتاجم.
من محبت ز شما می‌خواهم،
دل پاک من از عاطفه لبریز کنید!

هدف چهارم: آماده‌سازی فرزند یا فرزندان برای زندگی در دنیای واقعی

در ارتباط با این هدف، حضرت علی(ع) می‌فرماید: فرزند زمان خویشتن باش. همچنین می‌فرماید: فرزندان خود را برای زمانی غیر از زمان خودتان تربیت کنید. این سخن آیا به معنای آن نیست که: «آموختن برای زیستن است؟»^۴ این یعنی باید بازگردیم و نگاهی کنیم به آنچه در خانواده، در مدرسه، قبل از دانشگاه و بعد از دانشگاه به فرزندان ما یاد می‌دهند و یاد می‌دهیم و سپس از خودمان سؤال کنیم که آنچه که به فرزندان خود یاد می‌دهیم تا چه میزان برای بهتر زیستن آنها مفید است؟ و پدران، مادران، معلمان، مربیان و استادان تا چه



میزان مهارت‌های زندگی و درس به‌زیستی را به فرزندان، دانش‌آموزان و دانشجویان خود آموزش می‌دهند؟ از امام جعفر صادق(ع) سؤال شد که ما به فرزندانمان چه آموزش بدهیم؟ آن حضرت پاسخی داد که برای قرون و اعصار معنا دارد؛ فرمود: آنچه که نیاز زمان است.

هدف پنجم: مستقل‌سازی و قادر ساختن فرزند یا فرزندان برای رفع نیازها

اساساً انسان ضعیف‌ترین و وابسته‌ترین موجودات است. از این رو، با تعلیم و تربیت می‌خواهیم تا جایی که مقدور است افراد انسان را به موجوداتی قوی و مستقل تبدیل کنیم. بنابراین پدران و مادران و نظام آموزش و پرورش باید تلاش کنند کودکان و دانش‌آموزان به آموزش‌های مناسب و لازم دست یابند تا خود به رفع نیازهایشان بپردازند و در نتیجه به تدریج تازهای وابستگی‌شان قطع شود و به‌سوی استقلال نسبی قدم بردارند.

**در فرایند
تعلیم و تربیت، ما
وظیفه داریم به
این سؤال مهم
پاسخ دهیم که
چقدر به حفظ
و تأمین سلامت
جسمانی و
روانی فرزندان
خود توجه
داریم؟**

وادی چهارم شناخت: اصول تعلیم و تربیت

اصل، عبارت است از بنیان، اساس و پایه هر پدیده‌ای که موجب پدید آمدن آن، به‌عنوان یک کل واحد، می‌شود. در تعلیم و تربیت، اصولی وجود دارد که محور و تکیه‌گاه هرگونه اقدام تربیتی قلمداد می‌شود. برای مثال، زمانی که از اصل تفاوت‌های فردی یاد می‌کنیم، باید رگه‌های این اصل را در برنامه‌ریزی‌ها، برخوردها و اقدامات تربیتی مشاهده کنیم (احمدی، ۱۳۸۶). از این رو،

ضرورت دارد پدران و مادران به‌طور اعم با اصول تربیتی آشنا باشند. برخی از این اصول عبارت‌اند از: اصل دانایی، اصل آشناسازی کودک با واقعیت‌ها، اصل توجه به تفاوت‌های فردی، اصل اغماض و انعطاف‌پذیری، اصل اعتدال، اصل اهمیت بازی، اصل برخورد مثبت، اصل مستقل‌سازی کودک، اصل هماهنگی عوامل تربیتی و نظایر آن (اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان، احمد به پژوه، دانه، ۱۳۹۷).

وادی پنجم شناخت: روش‌ها و ابزار

در وادی پنجم شناخت، با توجه به وادی‌های قبلی، روش‌ها، مواد، وسایل، امکانات و ابزار مناسب جهت تحقق هدف‌های تعلیم و تربیت به‌کار گرفته می‌شود. شایان ذکر است که اکثر امور نقش وسیله‌ای دارند؛ از این رو، پدران و مادران باید همواره به هدف‌ها توجه داشته باشند. بدیهی است که روش‌ها و ابزارها، در خدمت تحقق هدف‌ها هستند؛ همان‌طور که تعلیم در خدمت تربیت است.



پوشش کنید (اسکن)
وادامه مطلب و منابع
را ببینید.